

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Social

اجتماعی

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - ۱۰ جنوری ۲۰۱۶

## پیش کله خر و یاسین خواندن؟؟؟!!!

### موجودی به نام "هاشمیان" بخواند!!!

مردم تیزهوش و رُموزفهم کابلجان در مورد کسانی، که گپ انسان و سخن انسانی را نفهمند و هر قدر برایشان منطق بگوئی و استدلال نمائی، از خرِ چهل خود پائین نشوند، دو ضرب المثل بسیار نافذ و گویا ساخته اند؛ و آن دو ازین قرارند:

– پیش کله خر و یاسین خواندن!!!؟؟؟

– هزار بگوئی، دمب خر یک بلست است!!!

گرچه هر دو ضرب المثل کاملاً گویایند و سخنگوی، مگر چه باک دارد، که در شرح آنها جمله ای چند ببازیم؟؟؟:

"یاسین" (یس - ی. س.) نام یکی از سوره های مشهور قرآن است و شهرتش آن قدر زیاد است، که گمان نکنم کسی خود را مسلمان بداند و نام این سوره را نشنیده باشد. سوره "یاسین" که متشکل از ۸۳ آیت است، از جمله سوره های طولانی قرآن است. از کثرت شهرت این نام است، که آن را در وطن ما - و شاید در تمام قلمرو اسلامی - به حیث اسم خاص برگزیده و به حیث نام اشخاص علم کرده اند. اگر محتوای تمام آیات این سوره مدّ نظر گرفته شود، حتماً در انتخاب مشخص این نام در این ضرب المثل، روشنی بیشتر خواهد انداخت؛ ولی در هر صورت:

وقتی درین مثل از "یاسین" سخن میگوئیم، شکل سمبولیک و تمثیلی را برای تمام "قرآن" دارد. این مثل به وضاحت روز آفتابی کابل و به روشنی آب زلال چشمه "خواجه صفا" برای ما میگوید، که همان قسمی که قرآن خواندن بر "خر" اثر ندارد، استدلال و منطق گفتن هم پیش کله خر "هاشمیان" بی اثر خواهد بود؛ چنان که در تمام مدت این شش ماه شاهد آن بودیم!!!

و در مورد ضرب المثل دوم:

قسمی که می دانیم، اصل ضرب المثل "دنب خر یک بلست است" است، که با مبتداهای مختلف افاده می گردد؛ چنان که از بهر مثال در بالا آورده شد.

طوری که دانیم و دانید و دانند، طول دنب "خُر" - هر خری که باشد - به اندازه یک "بلست" است، نه بیش و نه کم!!! کابلیان ازین بدیهه طبیعی استفاده کرده و آن را در مثل مشهور خود آراسته اند و فحوای مثل این که:

همان قسمی، که هرگونه سعی و تلاش و کش و گیر و زدن و کندن در جهت تغییر دادن طول دنب خر، بی اثر است، و هیچ گونه سعی بلیغ آن را درازتر و یا کوتاهتر ساخته نمی تواند؛ به عین شکل منطق گفتن و استدلال کردن انسانی بر دمب خر "هاشمیان خردمب" اثر نخواهد داشت!!!!!!

طوری که می بینیم، هر دو مثل، که از سر تا دنب "خُر" را در بر می گیرند، در مورد "هاشمیان خربودنه"، تک و پتره صدق میکند!!!

به تکرار می ارزد، اگر گفته شود:

از شش ماه تخت بدین سوی، هر قدر و از هر قلم و با هر منطقی، که پیش کله "خرمغز" این به اصطلاح "داکتر و استاد" گفته شد و استدلال گردید، هیچ سودی نبخشید. این حیوان لگام گسیخته که افسار و پجاری خود را کنده است، به هر خس و خاشاک دست می اندازد و کاههای کهنه و بیدانه را باد کرده میرود، تا از پذیرفتن واقعیتها و حقایق تلخ در مورد خود طفره برود!!! خرکله "هاشمیان" به "خرچکه" ضرورت دارد و تنها و تنها "خرچکه" و "چوب بادامی" ست، که شاید "هاشمیان" سوته مسلمان را سم بسازد، نه منطق و استدلال!!!!!!

و اما ماحصل کار "خرکله هاشمیان" در چیست؟؟؟

جرت و فرت و هیت و هویت و لاف زدنها و ادعاهای باطل "استاد ناچل" - هاشمیان" - فقط خاطر حواریان بیخبر از دنیای وی را میتواند ارضاء کند و بس؛ یعنی کسانی را که یا ذاتاً عقل در سر ندارند و یا این، که دیده و دانسته خود را در کوچه حسن چپ میزنند!!!

## اعتذار از خران جهان:

می بینم، که "خُر" بیچاره جفاکش این معرکه گردیده است؛ ازین رو: از تمام جنس "خُر" و تمام خران دنیا پوزش می خواهم؛ ولی پوزش خواستن بیشتر ازین سبب است، که حیثیت "خُر" را تا سرحد "هاشمیان" پائین آورده و بالوسيله توهینی بزرگ و بی مانند به "خُر" روا داشته ام!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!